

درباره نسخه جدید «مکبث»، ساخته برادران «کوئن»

# توری نامرئی روی خواسته‌های شقاوت‌آمیز

◀ **وصال روحانی**

خبرنگار

جوئل کوئن ۱۸فيلم بلندی که به اتفاق برادرش اتان کوئن ساخت، به لحاظ‌بصری و نوع پیام‌رسانی تصویری یکی از بهترین‌های این حرفه و بخصوص در میان هنرمندانی جلوه کرده که باوجود کار در هالیوود از مستقل‌سازان تأسی‌جسته و فیلم‌هایی متفاوت با چرخه‌های جاری در استودیوهای بزرگ غربی ساخته و آثارشان شبیه به فیلم‌های موسوم به «B-Movies» بوده و استقلال عمل سازندگان خود را فریاد کرده‌اند. در این سبک و روش از فیلمسازی، دکوراسیون هر صحنه مانند نمایش‌های درام، نتازر گونه‌است و محل استقرار و حوزه عمل دوربین و برش صحنه‌ها نوع «فید» شدن یا ادغام آنها با یکدیگر و هر قوه محرکه‌ای در سکانس‌هایی شباهت با داستان‌های مصورگونه‌کانه و به روایتی دیگر کمیک بوک هانیست. باوجود این جای تعجب دارد که جوئل کوئن این نحوه برخورد را به فیلم‌اخیرش یعنی «تراژدی مکبث» هم که از ماندگارترین کارهای ویلیام شکسپیر سلطان ادبیات کلاسیک است، بسط داده است. او در این فیلم نیز همان اهداف بصری و نوع پیام‌رسانی را که اشاره کردیم حفظ کرده است و همه عناصر منفی و نگران‌کننده این نمایشنامه افسانه‌ای هم که طبعاً شیوه‌های متفاوتی را برای بیان می‌طلبند، سبب نشده که جوئل کوئن راه دیگری را برگزیند. هم‌غلظت سفید رنگ، کلاغ‌های سیاه‌نشسته روی شاخه‌های درختان و سحرخاره‌ای که قیافه‌اش شبیه به زنان بی‌ضاعت میانسال است، همه و همه وقوع یک کابوس را گواهی می‌دهند اما به طریقی غیرشکسپیری به نمایش گذاشته شده‌اند. البته از برادران کوئن که سال‌هاست با آلمان‌های مخصوص به خود کار می‌کنند، توقع چیزی جز این نمی‌رود و آنها به این نتیجه رسیده‌اند که حتی یک داستان شکسپیری را هم می‌توان با بعضی ابزار غیرمعمول در نمایش‌های بزرگ مرتبط با قرن‌های شانزدهم و هفدهم بریتانیا به تصویر کشید. با چنین نگاهی صراحت‌لپچه و تأثیرگذاری قابل توجه «تراژدی مکبث» و بافت و نوع تصاویر آن به اندازه کافی حس و حال و قوه پیام‌رسانی دارد و بینندگان را با اقیام و تراژدی‌ای که طی آن تشریح می‌شود، همسومی سازند.



فرانسیس مک دورمندر (راست) و جوئل کوئن بر تویلد مکبث جدید نظارت می‌کنند

**دندل واشینگتن از «مکبث» تازه، علایق هنری و رویکردهای اجتماعی‌اش می‌گوید**

## پرچمدار سیاهان در هنر هفتم

دندل واشینگتن در ۶۷ سالگی پیشینه بیش از ۴۰ سال کار در هالیوود را دارد ولی تجربه او در مورد «مکبث» نمایشنامه جاودان ویلیام شکسپیر، چیزی نزدیک به صفر بوده است. او فقط طی دو سال اخیر به خواندن این نمایشنامه توفیق یافته و در نتیجه وقتی جوئل کوئن، کارگردان جدیدترین نسخه سینمایی «مکبث» از او خواست که نقش اصلی را در این فیلم بازی کند، وی پرسان پرسان به نزد کوئن و همچنین فرانسویس مک دورمندر رفت که ایفای نقش لیدی مکبث به وی سپرده شده بود. واشینگتن البته از کوئن درباره چرایی سیاه و سفید بودن این فیلم نیز که «تراژدی مکبث» نامیده شده، پرس‌وجو کرد و مطلع شد که کوئن می‌خواهد حس و حال قدیمی بودن این رویداد را از این طریق تقویت کند. اینک که سه‌ماه از اکران این فیلم می‌گذرد، بازی قوی واشینگتن به گونه‌ای است که نه فقط غریبه بودن او

■ **بازی کردم تا فیلم‌ها بفروشند**

نسخه جدید «مکبث» تنها کار واشینگتن در سال جاری نیست و فیلم جدید «یک ژورنال برای جوردن» نیز با کارگردانی او از ایام ژانویه بر پرده‌های تفرهای در غرب نشسته است. این فیلم گریه‌آور که از زوی یک رمان سال ۲۰۰۸ دانا کانه‌دی اقتباس شده، چهارمین تجربه حضور واشینگتن در پشت دوربین را موجب شده و او سابقه ساختن «آنتوان فیش» در سال ۲۰۰۲، «بجث‌کنندگان بزرگ» در سال ۲۰۰۷ و «حصارها» را هم در سال ۲۰۱۶ دارد و اگر تفاوتی در بین این چهار فیلم برای واشینگتن وجود داشته باشد، این است که این بار او در تضاد با سه فیلم قبلی علاوه بر کارگردانی، نقش اصلی را هم ایفا کرده و فقط کار خود در پشت دوربین را به سامان رسانده است. وقتی از خود واشینگتن در این خصوص پرس‌وجومی شود، می‌گوید: «در سه فیلم قبلی هم که کارگردان بودم، اسراروی بر بازیگری هم‌زمان در آنها نداشتم اما چون حضورم در یکی از نقش‌ها کمک می‌کرد تا فیلم‌ها بیشتر بفروشند، ایفای نقش هم کردم.»

■ **چیزی مثل مایکل جوردن**

اما کمپانی‌ها و استودیوهای سینمایی اسرار دارند که او همچنان جلوی دوربین بماند، زیرا بیش از ۴۰ فیلمی که وی نقش اول را در آنها ایفا کرده، مجموعاً در جهان بیش از ۳ میلیارد دلار فروخته‌اند. اهمیت این ارقام زمانی بیشتر می‌شود که در نظر بگیریم وی کلاد در فیلم‌های بسیار پولساز

■ **برهیزاز واقعیت‌گرایی**

معمولاً این طرز تلقی وجود داشته که کاراکتر اصلی (مکبث) به سبب زیاده‌خواهی‌هایش تبدیل به یک هیولا شده اما چون «کوئن»‌ها از دندل واشینگتن معروف و پر تجربه برای ایفای این نقش بهره‌جسته‌اند، با بازی او مکبثی را پیش‌رو داریم که در عین بیرحمی هرگز تندروی نمی‌کند و آرامش درونی آشکاری در او وجود دارد که معمولاً کسانی دارند که قوه پیش‌بینی کارهای آینده خود و دیدن آثار آن را دارند، البته آرامش، متانت و تسلط بر خویشتن همیشه خصلت‌های ذاتی دندل واشینگتن

و بخشی از واقعیت‌های وجودی وی چه در صحنه‌های هنری و چه در عرصه زندگی واقعی‌اش بوده و او ادای این صفت‌ها را در نمی‌آورد. وی واقعاً صاحب آنها است و نیازی نبود که یک نسخه کوئنی از مکبث این خصلت‌ها را به شکلی صوری در وجود او به نمایش بگذارد. کارشناسان معتقدند این نحوه خاص برخورد جوئل کوئن و دندل واشینگتن با این افسانه شکسپیری است که سبب می‌شود تصور و تجسمی نرم‌تر و غیرزخم‌ت از مکبث به وجود آید و روح و جان او مهم‌تر از حرکات بیرونی‌ای باشد که از وی بر می‌خیزد و سرشار از نفرت و انحصارطلبی و خون‌ریزی است. به واقع در این نسخه تازه مکبث، وی و همسرش (با بازی فرانسیس مک دورمندر ۳ اسکاری)

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir



عکس:Premier

### مشخصات فیلم

- کارگردان: جوئل کوئن
- سناریست‌ها: جوئل کوئن و اتان کوئن
- تهیه‌کنندگان: جوئل و اتان کوئن و رابرت کراف
- محصول: کمپانی‌های آی۴ و IAC
- مدیر فیلمبرداری: پروتو دیونیل
- تدوینگران: لوسی‌بن جانسون و ریچنالد جنیز
- موسیقی متن: کارتر پرول
- مدت: ۱۰۵ دقیقه
- بازیگران: دندل واشینگتن، فرانسیس مک دورماند، الکس هاسل، برتی کارول، بردن‌ان کلیسون، کوری هاوکینز، مایلز آندرسون و موزس اینگرام

او مردی است که وسوسه‌های یک حکومت مقتدرانه‌تر را در سر می‌پروراند اما توسط دیگران هدایت می‌شود. او و مک دورماند در حدود ۶۷ سالگی شامل‌هایی از بازیگری هستند که می‌توانند به این چندگانگی‌ها تجلی هر چه بیشتری بدهند و این وجه مهم مکبث در وسط مراسم صرف شام احساس می‌کند که شیخ کاراکتر بانکو به ملاقات وی آمده است اما این روح وجود ندارد و نمادی از گناهی است که مکبث مرتکب شده است. با وجود این دندل واشینگتن در محیط تنیده شده توسط برادران کوئن به گونه‌ای رفتار می‌کند که انگار همه وجود و جان و پایه اصلی پردازش این داستان است که البته این گونه هم هست. او مکبثی است که می‌کوشد ردیای خود را کم کند اما اثرگذاری او و نحوه توصیه‌فاش از ماجراها فراتر از هر چیزی است. در چهارچوب فیلم جوئل و اتان کوئن

به بن‌بست می‌کشاند. تکیه بر این مرد با هدف از میان برداشتن برخی چهره‌های دربار اشتباه بزرگی است که همسر مکبث مرتکب می‌شود. کار به جایی می‌کشد که مکبث در وسط مراسم صرف شام احساس می‌کند که شیخ کاراکتر بانکو به ملاقات وی آمده است اما این روح وجود ندارد و نمادی از گناهی است که مکبث مرتکب شده است. با وجود این دندل واشینگتن در محیط تنیده شده توسط برادران کوئن به گونه‌ای رفتار می‌کند که انگار همه وجود و جان و پایه اصلی پردازش این داستان است که البته این گونه هم هست. او مکبثی است که می‌کوشد ردیای خود را کم کند اما اثرگذاری او و نحوه توصیه‌فاش از ماجراها فراتر از هر چیزی است. در چهارچوب فیلم جوئل و اتان کوئن



حتی نمایشنامه‌نویسان مجربی مثل گوست ویلسون را هم در جمع سیاهان داشته‌ایم و اینک خیلی‌ها معتقدند که کارهای آنان بسیاری از پرزها را پشت سر نهاده و از توفیق سفیدپوستان بیشتر بوده است.»

■ **ماز مرزهای بسیاری عبور کرده‌ایم**

البته واشینگتن در ابتدای راه هنری‌اش به جیمز اول جونز هم چشم دوخت، زیرا او پیش از درخشش در سینما، سال‌ها در تئاتر هم ابراز وجود کرده بود. امروز او نمونه‌ها و مصادیق دیگری برای دل بستن و امیدوار ماندن به آینده سیاهپوستان دارد که استیو مک‌کوئین در جمع کارگردان‌ها و جان دیوید واشینگتن در میان بازیگران از نمونه‌های آن هستند و البته این واشینگتن ثانوی، پسر ۳۷ ساله خود دندل است که با حمایت پدرش وارد عرصه بازیگری شده و در «تنت»، فیلم خبرساز سال ۲۰۲۰ کریستوفر نولان نقش اول را بازی کرد، هرچند یک هزارم هنرها و مهارت‌های پدرش هم در او مشاهده نمی‌شود و آنقدر خشک و بی‌احساس بازی می‌کند که حضورش باعث لطمه خوردن آشکار به دندل می‌شود.

دندل واشینگتن با نادیده گرفتن آثار اسفبار چنین قیاسی و البته با دلگرمی حضور سیاهان با استعداد دیگری همچون جیمی فاکس، ماهرشالا علی، اوتکوایا اسپنسر و ویولا دیویس در میان بازیگران سینمای سال‌های اخیر می‌گوید: «باید از هر فرد و حربه و وسپله‌ای برای اثبات هنر سیاهان و اینکه آنها با بهترین هنرمندان سفیدپوست برابری می‌کنند و حتی فراتر می‌روند، سود جست، ما

این حال دندل واشینگتن در زمان رویاوی شدن با این سؤال که چرا در فضای مجازی نیست و مؤلفه‌های مدرن را قبول ندارد، فقط لیخند می‌زند و با دور زدن سؤال‌کنندگان، می‌گوید بسیار مایل است تیم محبوبش (نیویورک نیکز) در آینده نزدیک قهرمان لیگ بسکتبال حرفه‌ای آمریکا (NBA) شود که البته هیچ ریصلی به موضوعات فوق و پرسش‌های مطرح شده از وی ندارد. این یک واقعیت است که او در جوانی بسیار ورزش دوست بود و اتفاقات بیسبال را هم تعقیب می‌کرد ولی از زمان ورود به دنیای هنر، توسط این مدیوم بلعیده شده و وقت آزاد چندانی برای سایر امور نداشته است.

■ **به آینده‌ای بهتر چشم‌دوزید**

آنچه باید درباره او افزود، این است که در منطقه مانت ورتون در ایالت نیویورک آمریکا به دنیا آمده و همان‌جا رشد کرده و از ۳۸ سال پیش با زنی به نام پائولنا که مثل او بازیگر سینما است، ازدواج کرده و حاصل این وصلت دیرپا، چهار فرزند است. با اینکه جوایز اسکار او در فیلم‌هایی حاصل آمده که پیش‌تر نام‌شان آمد، وی معتقد است که بهترین بازی عمرش را در «مالکوم ایکس»، کار سیاسی سال ۱۹۹۲ اسپایک لی و در قالب آن سیاستمدار مسلمان و متعهد ارائه داده است. خیلی‌ها بازی او را در فیلم ورزشی «توفان» هم تحسین کرده‌اند اما وی با نگاهی به نسل جوان و نسل‌های بعدی سینما، می‌گوید: «هر کسی باید راه اختصاصی خودش را طی کند. هنرمندان

منبع: Wall Street Journal